

Requirements for Designing and Creation of Method in Management Knowledge and Complex Sciences, Considering the Challenge of Deliberately Confronting Religious Values

Ali Asghar Pourezzat¹  | Alireza Asadzadeh² 

1. Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran,

(Corresponding Author), Email: pourezzat@ut.ac.ir

2. Ph.D. Candidate, Department of Public Administration, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran,

Email: aasadzadeh@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 27 October 2021

Accepted: 31 January 2022

Keywords:

Complexity of human behavior,
Meaning avoidance, False
semantics, Complexity of
management affairs, Macro
view in public administration,
Instantaneous emergence of
public administration problems,
Methodology, Method design,
Value orientation

ABSTRACT

Throughout the history of science, various methodologies have been designed and recommended that sometimes years, but also centuries, have dominated the scientific traditions of universities. With the development of knowledge and increasing the diversity of specialties and approaches and the formation of interdisciplinary and multidisciplinary sciences, a kind of confusion was created in the methods and ways of testing scientific achievements that the consequences of this were in some cases negation of the validity of the method and in some cases reducing scientific efforts to repeat mechanical methods for mass production of knowledge. In management knowledge, in terms of dealing with emerging human beings and actors, the meaning avoidance in the face of public managers with necessary realities, false semantics in public administration, the instantaneous emergence of some public administration problems, methodological challenges are exacerbated. Also, dealing with religious values adds to the difficulty of analyzing management issues. Therefore, the challenge of creating a method based on problem solving conditions and research about it is discussed. Thus, scholars of this field should be familiar with the proper processes of the construction of the method and its test so that they can develop the desired method to research about it according to each specific status of "problem-situation". This becomes especially complicated in the face of values, to the extent that it can be said that one of the most important reasons for the complexity of the humanities is the necessity of deliberately confronting values. Therefore, the challenge of science and religion in the structuring knowledge and value in illustration of the path of knowledge development is very important.

Cite this article: Pourezzat, A & Asadzadeh, A. (2022). Requirements for Designing and Creation of Method in Management Knowledge and Complex Sciences, Considering the Challenge of Deliberately Confronting Religious Values. *Governance and Development Journal*, 2 (1),3-16.



Publisher: Iranian Scientific Association of Public Administration & University of Sistan and Baluchestan



دانشگاه تهران

حکمرانی و توسعه

شماره ۳۴۶۱-۲۷۸۳

Homepage: www.jipaa.ir



جمهوری اسلامی ایران

الزامات طراحی و آفرینش روش در دانش مدیریت و علوم پیچیده، با در نظر گرفتن چالش مواجهه مدیران با ارزش‌های دینی

علی اصغر پور عزت^۱ | علیرضا اسدزاده^۲

۱. استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)، رایانامه: pourezzat@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری، مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: aasadzadeh@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	در گذر تاریخ علم، روش‌شناسی‌های گوناگونی طراحی و توصیه شده‌اند که گاهی سال‌ها بلکه قرن‌ها بر سنت‌های علمی دانشگاه‌ها، سیطره افکنده‌اند. با توسعه دانش و افزایش تنوع تخصص‌ها و رویکردها و شکل‌گیری علوم میان‌رشته‌ای و چندرشته‌ای، نوعی سردرگمی در روش‌ها و شیوه‌های آزمون دستاوردهای علمی ایجاد شده است که پیامد آن، در مواردی نفی اعتبار روش و در مواردی تقلیل تلاش‌های علمی به تکرار روش‌های مکانیکی برای تولید انبوه دانش است. در دانش مدیریت به لحاظ سروکار داشتن با انسان‌های در حال پدیداری و بازیگر، معنی‌گریزی در مواجهه مدیران دولتی با واقعیت‌های لازم، معنی‌پردازی کاذب یا دروغین در مدیریت دولتی، پدیده‌ای آنی برخی از مسائل مدیریت دولتی، چالش‌های روش‌شناسی تشدید می‌شوند. همچنین، سروکار داشتن با ارزش‌های دینی بر دشواری تحلیل مسائل مدیریتی می‌افزاید. بنابراین چالش آفرینش روش، فراخور شرایط حل مسئله و پژوهش درباره آن مطرح می‌شود. بدین ترتیب که باید دانش‌پژوهان این رشته را با فراگردهای سالم ساخت روش و آزمون آن آشنا ساخت تا بتوانند فراخور هر وضعیت خاص «مسئله موقعیت»، روش مطلوب برای پژوهش درباره آن را توسعه دهند. این امر به‌ویژه در مواجهه با ارزش‌ها پیچیده‌تر می‌شود؛ تا حدی که می‌توان گفت، یکی از مهم‌ترین دلایل پیچیدگی علوم انسانی، ضرورت مواجهه مدیران با ارزش‌هاست. بنابراین، مقوله چالش علم و دین در ساختاردهی به دانش و ارزش در تصویرپردازی از مسیر توسعه دانش، بسیار مهم جلوه می‌کند.
واژه‌های کلیدی:	
پیچیدگی رفتار انسان،	
معنی‌گریزی، معنی‌پردازی	
کاذب، پیچیدگی امور مدیریتی،	
کلان‌نگری در اداره امور	
عمومی، پدیدآیندگی آنی	
مسائل اداره امور عمومی،	
روش‌شناسی، طراحی روش،	
ارزش‌مداری	

استناد: پور عزت، علی اصغر؛ اسدزاده، علیرضا. (۱۴۰۱). الزامات طراحی و آفرینش روش در دانش مدیریت و علوم پیچیده، با در نظر گرفتن چالش مواجهه

مدیران با ارزش‌های دینی. حکمرانی و توسعه، ۲ (۱)، ۳-۱۶.

ناشر: انجمن علمی مدیریت دولتی ایران و دانشگاه سیستان و بلوچستان



مقدمه

در خلال چند دهه گذشته و به‌ویژه از سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۷۰ میلادی، علوم انسانی، اجتماعی و رفتاری، درگیر مناقشه‌های نظری و روش‌شناختی متعددی بوده‌اند. این سال و پس از آن (عمدتاً تا دهه ۱۹۹۰-۱۹۹۹ م) دوره‌ای بسیار مهم در توسعه نظریه و روش علوم اجتماعی و رفتاری است که به اصطلاح، دوره چرخش نظری^۱ نیز خوانده می‌شود. در این دوره، آثار ضد اثباتی متعددی نوشته شده‌اند و مواضع اثباتی جدیدی نیز به وجود آمده‌اند. با توجه به تنوع پارادایمی کنونی در علوم اجتماعی و رفتاری، پژوهشگران علوم اجتماعی، در حال حاضر با دامنه گوناگونی از انتخاب‌ها روبه‌رو هستند که آنها را به سوی راهبردهای پژوهشی متفاوتی هدایت می‌کنند و بر احتمال دستیابی به نتایج متفاوت، از روش‌های واحد می‌افزایند (محمدپور، ۱۳۹۷: ۹-۱۰). نظریه‌پردازی در علوم اجتماعی باید با توجه به ویژگی‌ها و مسائل خاص سیستم‌های اجتماعی و پدیده‌های مرتبط با آنها انجام پذیرد. با توجه به دشواری نظریه‌پردازی دقیق و صریح برای پیش‌بینی رفتار موجودیت‌های پیچیده و متنوع، ضرورت طراحی دستگاه‌ها و سیستم‌های نظری منسجم در مقام تبیین رفتار پدیده‌های اجتماعی مدنظر قرار می‌گیرد؛ سیستم‌هایی که خود از چندین نظریه معتبر تشکیل می‌شوند که به نحوی منسجم و هماهنگ، با ارتباطاتی تعریف‌شده و معین، در قالب یک سیستم نظری اصلی (کلان) سازگاری می‌یابند. در این سطح باید علاوه بر آزمون نظریه‌ها در دنیای خارجی، برای بررسی و تحلیل منطقی ارتباطات نظری آنها در درون سیستم نظری اصلی اقدام شود؛ در واقع بخشی از اعتبار هر نظریه در گرو همین سازگاری‌های درونی است.

این نکته در خور تأمل است که در صورت محک خوردن هر نظریه، از حیث «ارتباط منطقی با سایر نظریه‌های پذیرفته‌شده در دستگاه نظری»، همواره امکان رد یا پذیرش آن وجود دارد. نکته مهم آن است که در صورت رد هر نظریه، نمی‌توان فقط به حذف آن بسنده کرد؛ بلکه تجدیدنظر نظام‌یافته و جامع در کلیه نظریه‌های شکل‌دهنده یک دستگاه و تعریف مجدد ویژگی‌ها و روابط آنها نیز ضرورت می‌یابد. درواقع در سطح سیستم‌های اجتماعی، مجموعه‌ای از پیش‌بینی‌های مکمل، وضعیت آینده پدیده را وصف می‌نماید. از این‌رو پذیرش هر نظریه جدید، مستلزم آن است که از دو ویژگی برخوردار باشد. قابلیت دوگانه «توفیق در آزمون بیرونی از حیث قدرت تبیین‌گری» و «موفقیت در سازگاری با اجزای درونی سیستم نظری مربوط به خود» (پورعزت، ۱۳۸۲: ۲۳-۲۴). این وضع در برخی علوم

اجتماعی پیچیده‌تر و انتزاعی‌تر می‌شود؛ آن‌گاه که نقش ارزش‌ها و ظهور و بروز و اثرگذاری آنها، ادراک می‌گردد. در این رویکرد، ارزش‌ها به مثابه "امر واقع"، بر فهم واقعیت موجود دلالت دارند؛ یعنی صرف‌نظر از درست بودن و "امر حق" بودن، واقعیت داشتن آنها مهم و اثرگذار است. بنابراین، حتی منکران حقیقت دین، نمی‌توانند با واقعیت دین مخالفت کنند و اثر آن را در آفرینش واقعیت‌های خوب و بد «آئینی»، نادیده بگیرند. پیش‌بینی رفتار سیستم‌های اجتماعی با گزاره‌های قطعی و جبری امکان‌پذیر نیست و نظریه‌پردازی برای تبیین حالات این‌گونه پدیده‌ها، مستلزم عطف توجه به حالات متعدد، متنوع و متغیر آنهاست. بنابراین، قضایای مورد استفاده در طراحی بناهای استدلالی، برای نظریه‌پردازی درباره این پدیده‌ها، باید از پویایی و انعطاف‌پذیری کافی برخوردار باشند؛ ضمن اینکه در ساخت نظریه‌های علوم اجتماعی، باید ترکیب مناسبی از نظریه‌های «خالص و انتزاعی» و نظریه‌های «پویا و اقتضایی» مورد استفاده قرار گیرند (پورعزت، ۱۳۸۲: ۲۶) و این هر دو، باید ناظر و دقیق بر فهم و درک ارزش‌های واقعی جامعه باشند. تولید دانش عمده‌تاً در حریم معین رشته‌های علمی صورت می‌گیرد. با این وجود، پژوهش‌های چندرشته‌ای^۱ و میان‌رشته‌ای^۲ در مرزهای رشته‌های علمی گوناگون توسعه می‌یابند. در یک حوزه پژوهش رشته‌ای^۳ گروهی از پژوهشگران بر مجموعه‌ای از مسائل مرتبط درون یک پارادایم با استفاده از روش‌های مشابه متمرکز می‌شوند. در پژوهش‌های چندرشته‌ای، موضوع از زوایای گوناگون با استفاده از دیدگاه‌های رشته‌ای متفاوت مورد بررسی قرار می‌گیرند. ارتباط پژوهشگران با یکدیگر در درون یک رشته، خیلی شدیدتر از ارتباط با پژوهشگران در رشته‌های تخصصی دیگر است و معمول است که به‌جای استفاده از پژوهشگران خارج از رشته، به پژوهش‌های یکدیگر مراجعه کنند. از سویی، در حوزه‌های میان‌رشته‌ای مباحث درونی و سطح ارتباطات داخلی کمتر و ارتباطات بیرونی بیشتر است (فان دن بسلار و هیمریکس^۴، ۲۰۰۱ م: ۷-۱).

بنابراین، با توسعه دانش و افزایش تنوع تخصص‌ها و رویکردها و شکل‌گیری علوم میان‌رشته‌ای و چندرشته‌ای، به جهت سردرگمی در روش و شیوه‌های آزمون دستاوردهای علمی، به نظر می‌رسد که دانش‌پژوهان باید با فراگردهای سالم ساخت روش و آزمون آن آشنا شوند تا بتوانند فراخور هر

1. multidisciplinary

2. interdisciplinary

3. disciplinary

4. Van den Besselaar and Heimeriks

وضعیت خاص «مسئله موقعیت»، روش مطلوب برای پژوهش درباره آن را توسعه دهند. این مهم نیز با تأمل بر نقش ارزش‌های دینی، پیچیده‌تر می‌شود و در فهم موقعیت، جایگاه ارزش‌ها را ویژه و ممتاز جلوه می‌دهد.

جایگاه علمی مدیریت و اداره امور عمومی^۱

مدیریت به مثابه یک رشته علمی دانشگاهی، در زمره علوم چندرشته‌ای و میان‌رشته‌ای قرار می‌گیرد. طبق سلسله مراتب بولدینگ^۲، سیستم‌های اجتماعی در مرتبه هشتم قرار می‌گیرند. مرتبه نهم برای سیستم‌های پیچیده ناشناخته برای بشر فرض شده است. در میان سیستم‌های اجتماعی، سازمان‌ها، در شمار پیچیده‌ترین سیستم‌های قابل تصور قرار می‌گیرند؛ سیستم‌هایی که وسیع^۳، بخش‌بخش-شده^۴ و چندبعدی^۵ اند (بولدینگ، ۱۹۵۱ م: ۲۰-۸؛ به نقل از پورعزت، ۱۳۹۶: ۱۱-۱۰) و به شدت ماهیت فرهنگ‌گرا و ارزش‌مدار دارند.

جالب توجه است که پس از سیستم‌های اجتماعی، سیستم پیچیده‌تری شناخته نشده است؛ بنابراین پس از آن، سیستم‌های ناشناخته مد نظر قرار می‌گیرند؛ سیستم‌های ناشناخته‌ای که ماهیت وجود آنها، محل پرسش‌های عمیق فلسفی است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، با افزایش سطح پیچیدگی سیستم‌ها، علوم و دانش‌های متناظر با مسائل آنها پیچیده‌تر و احتمالی‌تر می‌شوند. برای مثال، در علوم شیمی و هندسه، قواعد نسبتاً ثابت، قابل تعریف و تجدید هستند؛ در حالی که در علوم اجتماعی، قواعد احتمالی، متغیر و تجدیدنپذیر به نظر می‌رسند؛ به‌ویژه در فلسفه و علم‌شناسی، قواعد پرابهام و غامض بوده، در عالمی نامتناهی به طور احتمالی تعریف می‌شوند (پورعزت، ۱۳۹۷: ۱۸). همان‌طور که مشخص است، اداره امور عمومی صرفاً از مقوله مدیریت^۶ نیست و به اعتقاد روزنبلوم^۷ (۱۹۹۸ م)، اداره امور عمومی، بر اساس تفکیک قوای حکومت و در تناظر با سه قوه مقننه، مجریه و

1. Public Administration

2. Boulding

3. vast

4. fragmented

5. multidimensional

6. Management

7. Rosenbloom

قضایه، بر به‌کارگیری نظریه‌های سیاسی، مدیریتی و حقوقی، جهت تأمین نیازهای اصلی جامعه دلالت دارد و ماهیت آن در اصل، فرارشته‌ای^۱ است.

ترسیم قلمرو رشته اداره امور عمومی، متضمن در نظر گرفتن بخشی از دستاوردهای علوم سیاسی، اقتصاد، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، حقوق و مدیریت است. به نظر می‌رسد که علم حقوق و مدیریت، امکان تلفیق یافته‌های علوم اجتماعی را در حوزه‌های سیاست، اقتصاد و فرهنگ فراهم می‌سازند. پرسشی که مطرح می‌شود، این است که «هویت مستقل و ضرورت وجود علم اداره دولت و حکومت که اساساً مصرف‌کننده دستاوردهای سایر علوم است، از کجا حاصل می‌شود؟». در پاسخ باید گفت که نگاه سیستمی به ارتباطات علوم میان‌رشته‌ای و علوم چندرشته‌ای، امکان درک بهتر این معنا را فراهم می‌آورد. بدیهی است که کارکرد رشته علوم اداری و حکومت، صرفاً ترکیب و مصرف دستاوردهای علمی بشر (اصول، قوانین، نظریه‌ها و فرضیه‌های سایر علوم) نیست.

رسالت اصلی این علم، تدوین فرضیه‌ها و نظریه‌های علمی در سطحی بالاتر است؛ به‌نحوی که امکان دستیابی به اصول و شاید قوانین علمی فرارشته‌ای را درباره حکومت و دولت فراهم سازد؛ اصول و قوانینی که در جهان واقع نیز معتبر باشند و در حل «مسئله دولت و حکومت» مؤثر باشند (پورعزت، ۱۳۹۶: ۴۲-۴۰). در این میان، یکی از مهم‌ترین مقوله‌های پیچیده‌ساز تحلیل، ارزش‌های فرهنگی و دینی حاکم بر سیستم‌های اجتماعی‌اند.

باید توجه داشت که ارزش‌ها، بین انسان‌ها رخ می‌نمایند و محصول فعالیت جامعه‌اند و یک انسان منفرد معمولاً در چالش ارزش‌آفرینی اجتماعی قرار نمی‌گیرد. ماهیت نمادین، انتزاعی و رمزگونی ارزش‌ها، حاصل تجلی آنها در ساحت اجتماع‌اند. همان‌گونه که دین نیز انضمام به اجتماع است و دال بر احکام ناظر بر روابط جمعی است و کمتر به مسائل "فرد تنها" می‌پردازد. از نگاهی دیگر به اعتقاد موشه^۲ (۱۹۵۶ م: ۱۷۷)، مدیریت دولتی بیش از آنکه یک رشته باشد، یک حوزه مورد بررسی^۳ است و و به جای اینکه نوعی علم جداگانه باشد، نوعی کانون تمرکز بوده و ضرورتاً میان‌رشته‌ای است.

1. transdisciplinary

2. Mosher

3. area of interest

بنابراین با توجه به ادعای فون اشتاین^۱ (اشتاین، ۱۸۹۷: ۳۷-۱۷)، پدر مدیریت دولتی در اروپا، مبنی بر این که اساس پیشرفت همه علوم، مطالعه مدیریت دولتی است، طراحی^۲ و آزمون روش در این علم میان رشته‌ای و فرارشته‌ای در راستای ارتقای سایر حوزه‌های دانش بشری، نیازمند کاربست همه الزامات متناسب با وضعیت خاص «مسئله موقعیت» است و توسعه این دانش، موجب توسعه بسیاری از حوزه‌های علمی و ارزشی است.

الزامات طراحی و آزمون روش در مدیریت و علوم پیچیده

سیر تاریخی علم، نشان می‌دهد که تأکید زیادی بر کمی‌سازی، در علم وجود داشته است؛ از این رو برخی از اندیشمندان، ریاضیات را به منزله "ملکه علوم"^۳ و علوم دیگر نظیر فیزیک و شیمی را که شدیداً بر کمی‌سازی تأکید دارند، به مثابه علوم سخت (علوم دقیقه)^۴ مطرح کرده‌اند و علوم دیگر، نظیر بیولوژی و خصوصاً علوم اجتماعی را عنوان علوم نرم^۵ داده‌اند که به زعم آنان، فاقد دقت علمی است. به هر حال، در گذر زمان، باز هم بحث وحدت علوم مطرح شده است و با توجه به اینکه حامیان اثبات‌گرایی^۶ بر تأییدپذیری پژوهشی و عقل‌گرایان بر ابطال‌پذیری^۷ فرضیه‌های از پیش تعیین شده تأکید داشتند، این ادعا مطرح شد که همه علوم باید از چنین شیوه‌هایی استفاده کنند تا بتوان نام علم به آنها داد.

بر این اساس، دو قطب مهم در علوم شکل گرفت که یکی را طبیعت‌گرایی^۸ نامیدند و دیگری را ضد طبیعت‌گرایی. طبیعت‌گرایان، معتقد بودند که باید از شیوه‌های پژوهش تجربی و اثبات‌گرایی در علوم اجتماعی بهره گرفت و گروه دوم، مدعی بودند که علوم اجتماعی، ماهیتاً شیوه‌های خاص خود را می‌طلبند (لیتل^۹، ۱۳۷۳). به هر حال، در گذر زمان، نوعی حرکت به طرف تدوین شیوه‌های خاص پژوهش در علوم اجتماعی آغاز شد و مباحث مربوط به تفکیک شیوه‌های کمی و کیفی در علوم

1. Von Stein

2. design

3. Queen of sciences

4. Hard Science

5. Soft Science

6. Positivism

7. Falsification

8. Naturalism

9. Little

اجتماعی، ریشه گرفت (برایمن^۱، ۱۹۸۸م؛ کوک^۲، ۱۹۷۹م؛ به نقل از دانایی فرد، الوانی، آذر، ۱۳۹۶: ۱۱-۱۲).

در گذر تاریخ علم، بحث از روش‌شناسی با چالش‌های متعارض و متضاد گوناگون همراه شد؛ از انکار واقعیت و حقیقت گرفته تا نسبی‌انگاری آن و از انکار دلالت ادراکات بر واقعیت گرفته تا بحث از اصالت روش یا نسبیت دلالت آن و انکار اعتبار آن!

در گذار از مناظره روش‌پرستانه تا ضدیت روش، اعتبار روش در علوم، تحت تأثیر سطح پیچیدگی مقوله‌های دانش قرار می‌گیرد. بنابراین، اگر در علوم دقیقه، امکان سخن گفتن از روش دقیق وجود دارد، این احتمال در علوم پیچیده کاهش یافته، در علم مدیریت به شدت کاستی می‌پذیرد. پیش‌بینی، فراگرد نهایی کارکرد مشترک علوم انسانی و علوم دقیقه است. با وجود این، پیش‌بینی در علوم طبیعی و دقیقه از ابعاد گوناگون، وضعیتی متفاوت از علوم انسانی دارد؛ زیرا در علوم دقیقه، مانند فیزیک و شیمی، پدیده مورد بررسی و بررسی‌کننده، در دو حیطه کاملاً مستقل قرار دارند و بررسی‌کننده، توان بهره‌گیری از امکانات آزمایشگاهی را دارد و می‌تواند پدیده‌ها را در قالب مدل‌سازی‌های ریاضی، با ضریب دقت بالا درآورد. درحالی‌که علوم انسانی، با شدت و ضعف در رشته‌های گوناگون آن، از این موهبت آزمایشگاهی و فرصت و شانس تکرارپذیری پدیده و تسخیر مطلق، محروم‌اند. بنابراین، درجه نسبیت پیش‌بینی‌های علوم انسانی، شدیدتر است (برزگر، ۱۳۸۲: ۷-۵). عوامل مؤثر بر کاهش اعتبار روش در دانش مدیریت، متعدد و متنوع‌اند. این دانش از حیث اتکاء به روش، آسیب‌پذیر بوده است و به دلایل گوناگون، چالش‌های روش‌شناسانه بیشتری (نسبت به سایر علوم) دارد.

در علم مدیریت، موضوع مطالعه انسان است و سیستم‌های اجتماعی، ساخته‌شده از انسان‌ها هستند؛ سیستم‌هایی که به‌طور مستمر در حال پدیداری و تحول و تغییرند. همین پدیداری و پدیدآیندگی و پدیدارشدگی و احتمال پدیدارسازی تصنعی، دلیل اصلی زوال اعتبار پایدار روش در علوم انسانی است. واقعیت‌های زیر را در نظر بگیرید:

۱. انسان در حال پدیدار شدن است و به‌سرعت از محیط می‌آموزد و تغییر رفتار می‌دهد.

1. Bryman
2. Cook

در گذشته بیان می‌شد، هیچ انسانی نمی‌تواند در یک رودخانه دو بار شنا کند. امروزه می‌توان گفت که رفتار انسانی هرگز تکرار نمی‌شود؛ پس پیش‌بینی رفتار انسان با امتناع منطقی و محال فلسفی مواجه می‌شود.

۲. مقوله‌های مدیریتی، همواره در حال معنی‌گریزی^۱ قرار دارند. در این رویکرد تأکید می‌شود که آنچه آدمی ادعا می‌کند و اظهار می‌نماید، فاصله زیادی تا حقیقت دارد. نکته این است که در برخی پژوهش‌های مدیریتی به جای پرسش بنیادین، به پرسش‌های دیگر پاسخ داده می‌شود. شبیه اینکه بپرسیم چرا مدیریت بحران کشور ضعیف است؛ پاسخ داده شود: «به مسائل مهم‌تر از مدیریت بیاورید» یا «مسئله ما، مسئله فرهنگی است»! بدین ترتیب در بسیاری از پژوهش‌ها، از پاسخ به این پرسش بنیادین طفره رفته، اطلاعات و مطالب مفید یا غیر مفید دیگری مورد تأکید قرار می‌گیرند. مطالبی که هرچند هم مفید باشند، پاسخ پرسش‌های اصلی نیستند.

۳. در فراگرد معنی‌پردازی در مدیریت دولتی، همواره امکان بروز معنی‌پردازی کاذب یا معنی‌پردازی دروغین و ساختگی وجود دارد. در این حالت، پژوهشگران از پاسخ به پرسش اصلی طفره نمی‌روند، بلکه به آن پاسخ نادرست و دروغین می‌دهند. برای مثال، می‌پرسیم چرا مدیریت بحران کشور ضعیف است؛ پاسخ می‌دهند «تجهیزات نداریم؛ زیرا در حالت تحریم هستیم». این پاسخ‌ها، هر چند هم در سرشت اولیه درست باشند، در تراز پرسش مورد نظر نبوده، نادرست و غیراخلاقی‌اند.

۴. مقوله‌های مدیریتی بسیار پیچیده‌اند و راه‌حل یا حکم قابل اعتمادی برای ساده‌سازی آنها وجود ندارد. در مدیریت گاهی با مشکلاتی مواجه می‌شویم که پاسخ به آن‌ها مستلزم دسترسی به منابع علمی مهم و معتبری در فضایی بین رشته‌ای یا چند رشته‌ای است. در چنین شرایطی، ممکن است نتوانیم با هیچ‌یک از روش‌های عاریه‌ای، به پاسخ صحیحی برای مشکلات و مسائل مدیریتی برسیم. برای مثال، نظرسنجی‌های روان‌شناختی، فقط بخشی از مسئله را تحلیل می‌کنند یا روش داده‌بنیاد^۲ فقط به تحلیل و معرفی تجربه‌های موجود کمک می‌کند یا موردکاوی‌ها صرفاً معطوف به زاویه خاصی از بحث می‌شوند.

1. meaning avoidance

2. grounded theory

تلفیق یافته‌های حاصل از روش‌های گوناگون نیز بسیار دشوار است و چالش جدیدی محسوب می‌شود که معمولاً از آن طفره می‌روند.

۵. مقوله‌های مدیریت دولتی، در سطح کلان مطرح می‌شوند. درحالی‌که در روش‌شناسی‌های متداول پی‌درپی بر ضرورت محدود شدن مسئله و جامعه هدف تأکید دارند. باید توجه داشت که منطق محدود شدن مسئله، به معنی کوچک کردن موضوع نیست، به معنی حدگذاری برای مسئله و تعریف دقیق آن است. باز دقت شود که برخی پدیده‌های اقتصادی، مدیریتی، سیاسی و فرهنگی، اساساً قابل کوچک‌سازی نیستند و جامعه هدف بزرگ‌تری را مد نظر می‌آورند. در این موارد، اقدام به کوچک‌سازی جامعه هدف، بر اساس کژفهمی از ضرورت محدودسازی به معنای حدگذاری است. در مدیریت دولتی با «فراگردهای کلان تجزیه‌ناپذیر» سروکار داریم؛ نظیر بودجه‌بندی؛ خط‌مشی‌گذاری؛ طراحی ساختار؛ مدیریت منابع انسانی؛ تحلیل پویایی‌های جمعیتی و پدیدارشناسی جمعیت از این نوع هستند.

۶. ارزش‌مداری و آمیختگی با ارزش‌های فرهنگی و دینی که از سطح شیء‌گونه‌گی پدیده‌های اجتماعی می‌کاهد و پدیده‌های انتزاعی‌تر فرهنگ و باورها و هنجارهای دینی و قوی و قبیله‌ای را درنظر می‌آورد.

۷. پدیدارشدگی برخی از مشکلات و مسائل در دانش مدیریت دولتی، بسیار تأمل‌برانگیز است. گویا برخی مشکلات مستمراً در حال پدیداری بوده، در همان حال، باید مورد بررسی قرار گیرند. اینجا بحث از سرعت تغییر نیست، صحبت از نوظهوری و پدیدآیندگی است. در این حالت که مقوله یا مشکل شناخته نشده و روشی برای مواجهه با مسائل شناختی مرتبط با آن، ابداع نشده است، صرفاً نمی‌توان روش‌های موجود را به کار گرفت و ابعادی از هر مشکل را برحسب مراتب شباهت با مشکلات پیشین، مورد بررسی و تحلیل قرار داد و نمی‌توان به روش‌های موجود برای بررسی آن اکتفا کرد. بنابراین، استفاده از روش‌های متداول، پاسخگو نیست و روش‌های جدیدی مورد نیازند.

پورعزت (۱۳۸۷: ۹۲-۹۱)، به سه زندان نامرئی معرفت‌شناسی "واژگان"، "روش" و "موضوع‌شناسی" در پژوهش‌ها اشاره کرده و یک راه‌گذار از این دیوارهای شیشه‌ای را اتخاذ رویکردی زبان‌شناختی در کاربست علوم میان‌رشته‌ای می‌داند. بنابراین، همان‌گونه که هر رشته

علمی، الزامات زبان‌شناختی خاص خود را شکل می‌دهد و زبان ویژه خود را توسعه می‌دهد، نیاز به طراحی و آزمون روش در مدیریت و علوم پیچیده نیز با توجه به مقتضیات این علوم احساس می‌شود.

چالش آفرینش روش^۱

در ابتدا شایسته است به تفاوت روش^۲ و روش‌شناسی^۳ توجه شود. اصطلاح روش به تکنیک‌ها و فراگردهایی اشاره دارد که برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به کار می‌روند و ابزارهایی چون پرسشنامه، مشاهده، مصاحبه و تکنیک‌های تحلیل کمی (آمار) و کیفی (غیرآمار) را به کار می‌برند؛ درحالی‌که اصطلاح روش‌شناسی در مورد چگونگی انجام پژوهش است و طیفی از مفروضات فلسفی^۴، در آن مورد بحث قرار می‌گیرند (ساندرز^۵، لوئیس^۶، ثورنیل^۷، ۲۰۱۶م: ص ۴). بنابراین روش پژوهش؛ نوعی روش تجزیه و تحلیل داده‌ها است که از طریق آن، به پرسش‌های پژوهش پاسخ می‌دهیم و روش‌شناسی پژوهش، به فراگرد چگونگی گردآوری داده‌ها، تبدیل آن‌ها به یافته‌ها و نتایج پژوهش گفته می‌شود. بنابراین، روش پژوهش، مفهومی اعم از روش‌شناسی پژوهش است. آفرینش روش، مستلزم آشنایی با جوهر روش‌شناسی و مباحث عمیق معرفت‌شناسی^۸ است. واقعیت این است که در شرایط دشواری که دانش‌پژوهان مدیریت دولتی با آنها مواجه‌اند، چاره‌ای جز این نیست که به آفرینش روش پرداخته شود. این رویکرد، دال بر این مهم است که بر اساس موقعیت توسعه دانش اداره دولت و حکومت (مدیریت دولتی)، ضرورت دارد که فراخور هر پرسش، ابتدا سعی شود که از روش‌های موجود یا کولاًژهایی از آنها استفاده شود. اگر این روش‌ها مفید نبودند، باید به طراحی و ساخت روش اهتمام ورزیده شود. مهم‌ترین مراحل که برای ساخت روش باید طی شود، عبارت‌اند از: الف) فهم دقیق مشکل در قلمرو مدیریت دولتی؛ ب) طراحی مسئله و بیان مسئله بر اساس آن؛ ج) ایده‌پردازی درباره انواع پاسخ‌های احتمالی و طراحی شکل و قالب پاسخ‌های محتمل؛ د) بررسی انواع روش‌های شناخته‌شده یا ترکیبی از روش‌های موجود و ارزیابی مراتب کفایت آنها و اهتمام به طراحی

1. method creation
2. method
3. methodology
4. philosophical assumptions
5. Saunders
6. Lewis
7. Thornhill
8. epistemology

روش، در صورت عدم کفایت روش‌های پیشین؛ ه) طراحی روش جدید با توجه به نیازهای مسئله مورد پژوهش؛ و) پیشنهاد راه‌های مناسب، برای آزمون روش‌های ابداعی.

بدین ترتیب در رشته مدیریت دولتی، چالش طراحی روش و ارزیابی روش‌های نوپدید و طراحی‌شده، چالشی جدی است که به تدریج، با افزایش پیچیدگی رفتار انسانی^۱ در سازمان‌ها، معنی‌گریزی، معنی‌پردازی کاذب، پیچیدگی مقوله‌های مدیریتی، گستره کلان مسائل مدیریتی و پدیدارشدگی آنی^۲ آنی^۲ مسائل جدید در این رشته از دانش، به چالشی جدی تبدیل می‌شود که باید مورد توجه علاقه‌مندان به این قلمرو علمی قرار گیرد. بنابراین، ما در آینده نزدیک، به جای روش‌شناسان، به طراحان روش نیاز داریم. در این میان، چالش فهم ارزش‌های فرهنگی و دینی، چالشی بسیار سنگین و تأمل‌برانگیز است؛ چالشی که هیچ‌کدام از نحله‌های روش‌شناسی در علوم انسانی و اجتماعی، نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند. در روندی که علوم میان‌رشته‌ای و چندرشته‌ای، با اهمیتی مضاعف مدنظر قرار می‌گیرند، فرصت مناسبی برای ترکیب و تلفیق نظریه‌های علمی فراهم می‌آید تا در جریان ساخت واقعیت‌های آینده زندگی بشر، روندهای بهتری طراحی شوند و طرح‌های بهتری اجرا گردند. اگر پذیرفته شود که آینده تا حد زیادی تحت تأثیر دیدگاه‌ها و نظریه‌های دانشمندان در زمان حال است و با اثر پذیرفتن از طرح‌های ذهنی امروز نخبگان شکل می‌گیرد، می‌توان پذیرفت که در عمل، تأثیر تلفیقی این نظریه‌ها و طرح‌ها است که به بخشی از تحولات آینده جهت می‌دهد (رضائیان و پورعزت، ۱۳۹۷: ۱۸). هر یک از علوم، احتمالاً بصیرتی نسبت به آینده ایجاد می‌کند؛ درحالی‌که علوم میان‌رشته‌ای حاصل تلفیق یافته‌های علمی بشر در عرصه‌های گوناگون‌اند؛ یافته‌هایی که معمولاً معطوف به حل مسائل جامعه‌اند؛ همان مسائلی که تنگنای امروز را ایجاد کرده‌اند. نظریه‌هایی که این تنگناها را برطرف می‌سازند یا فرصت‌های آینده را شناسایی می‌کنند و برای توسعه آینده تصویرپردازی می‌کنند، بیشترین تأثیر را بر فراگرد ساخت مستمر آینده خواهند داشت. بدین ترتیب، آینده‌ای که مستمراً در حال شکل گرفتن توسط عامه بازیگران است، فوری‌ترین تعهدها و مسئولیت‌شناسی‌ها را می‌طلبد. تعهد و مسئولیتی که بر عهده همه بازیگران است؛ همه بازیگرانی که طرز تفکر آنها، محصول مجموعه متنوعی از ارزش‌های فرهنگی و علوم گوناگون

1. complexity of human behavior

2. instantaneous emergence

بشری است و مستقیماً بر فراگرد ساخت آینده تأثیر می‌گذارند. بحث دیگر این است که دانش و شناخت ما از حال، همیشه محدود است. بنابراین نظریه‌ها و مدل‌های ما مصنوعی و ساختگی‌اند. آنها هرگز نمی‌توانند به‌طور کامل پیچیدگی‌های تقریباً بی‌نهایت دنیای واقعی را تحت پوشش قرار دهند. به عبارت دیگر، ما در مرز بین شناخت و عدم شناخت گام برمی‌داریم و عمل می‌کنیم (رضائیان و پورعزت، ۱۳۹۷: ۱۹). و در این میان، ارزش‌های فرهنگی و دینی نیز مستمراً و مکرراً، واقعیت‌آفرینی می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به این باور که روش‌شناسی چیزی جز مستندسازی راه‌طی‌شده نیست (پورعزت، ۱۳۹۳)، در دوگانه روش‌پرستی تا طرد روش، مواجهه معقول با روش، مستلزم نگریستن به آن با رویکردی خردمنا است. روش معتبر، روشی است که متناسب با درک واقع‌بینانه قابلیت‌های داده‌ها و اعتبار یافته‌ها، ما را به حقیقت رهنمون گردد؛ حقیقتی که اگر فارغ از ارزش‌های فرهنگی باشد، باز هم نمی‌تواند بدون درنظر گرفتن آنها آفریده شود. نکته این است که ما در علوم اجتماعی، در هنگامی که در حال آفرینش واقعیتیم، به شناخت آن نیز می‌پردازیم؛ واقعیتی که در یک تحلیل، حاصل تمایلات جمعی همه ما بوده، در تحلیل بین‌الذهانی تصویر واقعیت (نه حقیقت آن) صورت‌بندی می‌شود. در پرتو ارزش‌هایی که اگر حقیقت هم نداشته باشند، بر روند آفرینش واقعیت مؤثرند. بنابراین، بحث از تناسب روش، بحثی بسیار جدی است و مفهوم تناسب را در کانون توجه قرار می‌دهد؛ دال بر این معنی که روش خوب، روشی است که از تناسب کافی با موقعیت برخوردار باشد. فهم اهمیت تناسب، مهارت روش‌شناسی و کاربست روش را به حاشیه می‌راند و مهارت آفرینش را در کانون توجه قرار می‌دهد. بنابراین، عصر آینده دانش، عصر روش‌شناسان و معرفت‌شناسان نیست، این عصر، عصر روش‌آفرینان است.

منابع

- برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۲) «پیش‌بینی در علم سیاست؛ مقایسه علوم دقیقه و علوم انسانی»، سخن سمت، شماره ۹، ۴۷-۴.
- پورعزت، علی‌اصغر. (۱۳۸۲). «علم و پیش‌بینی؛ تأملی بر مراتب قطعیت نظریه‌های علمی و پیش‌بینی رفتار سیستم‌های اجتماعی»، سخن سمت، شماره ۹، ۲۸-۱۵.
- پورعزت، علی‌اصغر. (۱۳۸۷). «گذار از حصارهای شیشه‌ای معرفت‌شناسی با تأکید بر الزامات زبان‌شناختی علوم میان‌رشته‌ای»، مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱ (۱)، ۹۱-۱۰۹.
- پورعزت، علی‌اصغر. (۱۳۹۳). درآمدی بر روش پژوهش علمی (فراگرد تدوین رساله پژوهشی و دفاع از آن). تهران: میدانچی.
- پورعزت، علی‌اصغر. (۱۳۹۶). مبانی دانش اداره دولت و حکومت، چ (۳). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- پورعزت، علی‌اصغر. (۱۳۹۷). مبانی مدیریت دولتی، چ (۷). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، سیدمهدی؛ آذر، عادل. (۱۳۹۶). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، چ (۵). تهران: صفار.
- رضایان قیه‌باشی، احد؛ پورعزت، علی‌اصغر. (۱۳۹۷). «ساخت اجتماعی واقعیت آینده در پرتو مطالعات میان‌رشته‌ای». مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۰ (۴)، ۲۲-۱.
- لیتل، دانیل. (۱۳۷۳). تبیین در علوم اجتماعی؛ درآمدی بر فلسفه علم/اجتماع. ترجمه عبدالکریم سروش. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط (کتاب به زبان اصلی ۱۹۹۱ م).
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۷). ضد روش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی، چ (۱)، ویراست (۲). قم: لوگوس.

References

- Boulding, K. E. (1951), "General Systems Theorythe Skeleton of Science, in Peter P. Schoderbek, *Management Systems*, Second edition, John Wiley & Sons, Inc., 1971.
- Bryman, A. (1988). *Quantity and quality in social research*. London: Unwin Hyman.
- Cook. (1979). *Quasi Experimentation: design and analysis issues for field settings*. Boston: Houghton Mifflin.
- Mosher, F. C. (1956). *Research in Public Administration*. *Public Administration Review*. Vol. 16. Summer, p. 177.
- Rosenbloom, D. H. (1998); *Public Administration: Understanding Management, Politics, and Law in the Public Sector*; 4th ed., McGrawHill, Inc.
- Saunders, M. N.K.; Lewis, Ph.; Thornhill, A (2016). *Research Methods for Business Students* (7th Edition). Publisher: Pearson.
- Stein, L (1897), *La Scienza della pubblica amministrazione*, Torino, UnioneTipograficoEditrice (Italian edition).
- Van den Besselaar, P. and Heimeriks, G. (2001). "Disciplinary, Multidisciplinary, Interdisciplinary Concepts and Indicators", Paper for the 8th conference on Scientometrics and Informetrics, Sydney, Australia.

